

## سیاست تنش‌زدایی روحانی در قبال آمریکا؛ اهداف و موانع

حسین کریمی فرد<sup>۱</sup>

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، ایران  
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۱۹ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۹/۱۲)

### چکیده

روحانی بعد از به قدرت رسیدن در سال ۱۳۹۲ تنش‌زدایی در سیاست خارجی به‌خصوص در ارتباط با آمریکا را سرلوحه امور خود قرار داد. از دیدگاه روحانی، با توجه به نیاز کشور به سرمایه‌گذاری خارجی برای حل مشکلات اقتصادی از یک طرف و تسلط ایالات متحده آمریکا بر شرکت‌ها و نهادهای اقتصادی جهان از طرف دیگر ضرورت دارد که سیاست خارجی ایران به سمت تنش‌زدایی با آمریکا سوق داده شود. مرکز ثقل و کانون اصلی تنش‌زدایی با کشورهای غربی به‌خصوص ایالات متحده آمریکا، مهم‌ترین برنامه راهبردی روحانی تلقی شد. پرسشی که این پژوهش درصدد پاسخ به آن است چنین است: سیاست تنش‌زدایی روحانی در قبال آمریکا با چه فرصت‌ها و موانعی مواجه است؟ فرضیه این تحقیق که با متدولوژی تحلیلی و تبیینی و با استفاده از کتاب‌ها و مقالات مستخرج از فصلنامه‌ها و منابع اینترنتی نگاشته شده این است: هدف روحانی از اتخاذ سیاست تنش‌زدایی ارتقای امنیت، توسعه و عادی‌سازی سیاست خارجی ایران است؛ اما این سیاست با به قدرت رسیدن ترامپ، تغییر نخبگان اجرایی در آمریکا، اتخاذ سیاست خصمانه این کشور در قبال جمهوری اسلامی ایران و تشدید فعالیت مخالفین تنش‌زدایی در سطوح فراملی، منطقه‌ای و بین‌المللی با چالش اساسی مواجه شده است.

### واژگان کلیدی

ایالات متحده آمریکا، تنش‌زدایی، روحانی، سیاست خارجی.

**مقدمه**

روحانی بعد از به قدرت رسیدن در سال ۱۳۹۲، سیاست خارجی ایران را بر مؤلفه‌های تنش‌زدایی و تعامل سازنده<sup>۱</sup> با کشورهای غربی و به‌خصوص ایالات متحده آمریکا بنا کرد. عمل‌گرایی، مصلحت‌گرایی، عرف‌گرایی و کاهش تأثیرگذاری ایدئولوژی در مذاکرات با آمریکا و تحلیل حوادث و پدیده‌های سیاسی در چارچوب رئالیستی و عینیت‌گرایی از مختصات سیاست خارجی روحانی است.

یکی از هدف‌های اصلی روحانی در سیاست خارجی در دوره اول ریاست جمهوری او، کاهش تنش<sup>۲</sup> با ایالات متحده آمریکا است. سیاست خارجی روحانی در قبال ایالات متحده آمریکا متأثر از متغیرهای داخلی، منطقه‌ای و ساختار نظام بین‌الملل است. در سطح فراملی سیاست خارجی ایران در قبال آمریکا در مقطع زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ تحت تأثیر نهادها، سازمان‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی با دیدگاه‌های متفاوت و گاه متضاد قرار گرفت در سطح منطقه‌ای، کنشگران مختلف دولتی و غیردولتی با تصورات و سوء ادراک به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم تلاش کردند بر مذاکرات ایران و آمریکا تأثیر بگذارند. در سطح بین‌المللی، قدرت‌های بزرگ مثل چین، روسیه، اتحادیه اروپا (آلمان، انگلیس، فرانسه و...)، سازمان‌های بین‌المللی (شورای امنیت، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و...) از بازیگران مهمی بودند که به‌صورت مستقیم درگیر مسئله ایران و آمریکا بودند. بنابراین در این دوره وزارت خارجه قلب دولت روحانی در شمار آمد؛ به‌نحوی که موفقیت یا شکست در برنامه‌هایش به‌مثابه موفقیت یا شکست دولت تلقی می‌شد.

در این مقاله تلاش می‌شود که ضمن بررسی سیاست خارجی روحانی در قبال آمریکا، مواضع مخالفان و موافقان و همچنین تأثیر تغییر نخبگان اجرایی در آمریکا بر سیاست تنش‌زدایی روحانی بررسی شود.

**۱. چارچوب مفهومی**

دتانت (تنش‌زدایی)<sup>۳</sup> یک اصطلاح فرانسوی به‌معنای تلاش آگاهانه برای عادی‌سازی<sup>۴</sup> یا به حداقل رساندن دشمنی‌ها و روابط غیردوستانه است. تنش‌زدایی تلاش برای ارتقای همکاری و مشارکت دولت‌ها در جایی است که دولت‌ها خواستار رهایی از فضای تیره و تار جنگ سرد

- 
1. Constructive engagement
  2. de-escalation
  3. Détente
  4. Normalization

هستند. تنش‌زدایی همزیستی توأم با مشارکت و رقابت بین دولت‌هایی است که قبلاً با یکدیگر درگیر جنگ سرد بودند.

تنش‌زدایی شرایط تقلیل فشار یا تنش در روابط میان دو یا چند کشور را نشان می‌دهد. یک دوره تنش‌زدایی ممکن است براساس یک قرارداد رسمی به وجود آید یا بر اثر تغییراتی که در استراتژی‌ها و تاکتیک‌های ملی در چند سال صورت می‌گیرد پدیدار شود. مفهوم تنش‌زدایی، محیط بهتر و مساعدتری را توصیف می‌کند که ممکن است در موقع خود به رفع و رجوع نقاط اصلی اختلافات در میان کشورها کمک کند» (پلینو - آتون، ۱۳۷۵: ۳۴۲).

فرهنگ لغت آکسفورد تنش‌زدایی را با دو مشخصه تعریف کرده است:

الف) توقف روابط تنش‌زا بین دولت‌ها؛

ب) ارتقای ادراک دوستانه بین دولت‌ها (Dinesh, 2016: <http://www.yourarticlelibrary.com>).

استفان والت<sup>۱</sup> تنش‌زدایی را رفتار سیاسی دولت‌ها برای گسترش داوطلبانه و ارادی روابط صلح‌آمیز با کاهش تنش تلقی می‌کند. او دو ویژگی را برای تنش‌زدایی ذکر می‌کند:

الف) مبادله متوازن: امتیازات، متقارن میان طرفین توزیع شود؛ به عبارتی توزیع امتیازات میان طرفین به نحوی که دو طرف از رفع تنش سود ببرند؛

ب) کاهش ریسک: تلاش دولت مسلط برای سوءاستفاده از روابط منجر به از بین رفتن تنش‌زدایی می‌شود (Walt, 1988: 282). تنش‌زدایی میان دو دولت که حالت خصمانه دارند رخ می‌دهد و زمانی که یکی از طرفین احساس بی‌اعتمادی به دیگری پیدا کند فرو می‌پاشد (Gangale, 2003: 20).

از دیدگاه هنری کیسینجر، متفکر رئالیست روابط بین‌الملل سیاست تنش‌زدایی «به‌منظور کاهش تنش نظامی و سیاسی بین آمریکا و شوروی به‌منظور خلق نظم جدید درون چارچوب جنگ سرد است. مفهوم تنش‌زدایی رهایی از تنش برای ایجاد توازن قدرت جدید است. پیمان سالت یک بین آمریکا و شوروی نخستین موفقیت سیاست تنش‌زدایی بود» (Lukacsova, 2009: 6).

تنش‌زدایی بعد از خصومت سیاسی، ایدئولوژیک یا نظامی به‌منظور تأمین امنیت و منفعت میان کنشگران شکل می‌گیرد. «تنش‌زدایی به‌مثابه مهم‌ترین اصل در روابط بین‌الملل با توسل به شیوه‌های مسالمت‌آمیز و نوسازی روانی در سطح بین‌المللی و فعال کردن دیپلماسی از طریق گفت‌وگوی دوجانبه و چندجانبه امکان‌پذیر است. تنش‌زدایی ضمن تأکید بر وجود نظام‌های سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک متضاد، با بهره‌گیری از ضرورت تأمین امنیت منطقه‌ای و جهانی معتقد است که نباید اجازه داد اختلاف‌های ایدئولوژیک و سلیقه‌های سیاسی بر روابط

میان کشورها تأثیر بگذارد. تنش‌زدایی از جنبه مفهومی و کارکردی از اصول زیر پیروی کرده است:

۱. ضرورت پرهیز از درگیری ایدئولوژیکی؛
۲. ضرورت جدی برای حفظ بازدارندگی؛
۳. چشم‌پوشی از سیاست‌های برتری‌جویانه و هژمونیک؛
۴. رد همه تلاش‌های اختلاف‌افکنانه با هدف دستیابی یکجانبه به امتیازها؛
۵. آمادگی برای همزیستی مسالمت‌آمیز در تحمل هر نوع شرایط سخت برای تحقق این ایده؛
۶. پذیرش کثرت‌گرایی سیاسی و اقتصادی (ازغندی، ۱۳۸۴).

مهم‌ترین هدف در عرصه سیاست خارجی دستیابی به منافع ملی است که ممکن است شیوه دستیابی به آن خصومت‌آمیز یا مسالمت‌آمیز باشد. تنش‌زدایی در سیاست خارجی شیوه مسالمت‌آمیز دستیابی به منفعت ملی است و هدف تنش‌زدایی بهبود و ارتقای سطح روابط سیاسی و اقتصادی برای نایل شدن به امنیت منطقه‌ای و جهانی است. از طرف دیگر، از دلایل مهم شکست تنش‌زدایی در روابط میان دولت‌ها، «سوءظن اساسی» و «ترس از دشمن» است که مخالفان از آنها برای بی‌اعتبار کردن و آسیب زدن به تنش‌زدایی استفاده می‌کردند (Dueck, 2000).

تعامل سازنده یکی دیگر از مفاهیم اصلی سیاست خارجی روحانی است. تعامل سازنده اتخاذ سیاستی فعال، پویا، تأثیرگذار، جهت‌دار با شناخت دقیق از معادلات سیاسی به‌عنوان بازیگری قدرتمند در صحنه روابط بین‌الملل و منطقه و آن مرحله‌ای پیشرفته‌تر از سیاست تنش‌زدایی است (متقی و محمدی، ۱۳۸۴: ۲۳۱).

این سیاست خارجی در پی آن است که از طریق تنش‌زدایی، اعتمادسازی، دوری از امنیتی شدن، بهبود چهره و وجهه ایران، دیپلماسی فعال و روابط با کشورهای دیگر و سازمان‌های بین‌المللی، زمینه را برای رشد و توسعه اقتصادی کشور در چارچوب اسناد بالادستی مهیا می‌کند. به باور روحانی، سیاست خارجی در چند سال گذشته با تنش‌زدایی و تندروری، عملاً ایران را وارد فاز امنیتی کرده و زمینه را برای تحقق رشد و توسعه همه‌جانبه کشور کاهش داده است؛ در نتیجه برای بازگرداندن کشور به مسیر تعریف‌شده توسط اسناد بالادستی، همچون چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴، باید دولتی توسعه‌گرا قدرت را در دست داشته باشد؛ دولتی که اصول «تعامل سازنده» با جهان را سرلوحه کار خود قرار دهد و زمینه رشد و توسعه اقتصادی را مهیا سازد (رضایی و ترابی، ۱۳۹۲: ۲).

## ۲. دیدگاه‌های مختلف در قبال آمریکا در اوایل انقلاب اسلامی

در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی به تدریج دو دیدگاه کلی درباره نحوه ارتباط با آمریکا مطرح شد:

### الف) تعامل با آمریکا

این دیدگاه از سوی نخبگان فکری و اجرایی دولت موقت و نحلّه‌ها و جریان‌های سیاسی و فکری نزدیک به مهندس بازرگان مطرح شد. ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه دولت موقت معتقد بود که ایرانیان از لحاظ تکنولوژی، به ارتباط با غرب به‌ویژه آمریکا نیاز دارند. «دکتر ابراهیم یزدی هنگامی که معاون نخست‌وزیر بود اعلام کرد ایران به مرور زمان نیازمند تکنولوژی آمریکا خواهد بود». بازرگان نیز یک هفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی اعلام کرد: «دولت انقلابی ایران مشتاق است روابط خود را با آمریکا از سر بگیرد» (ازغندی، ۱۳۸۴).

### ب) رویارویی با آمریکا

سرمشأ رویارویی ایرانیان با سیاست قدرت آمریکا را عوامل زیر تشکیل می‌دهد: ۱. خواست ایران برای استقلال، خوداتکایی و هویت‌یابی مستقل که هرگونه نیاز به آمریکا را مردود می‌داند؛ ۲. تمایل ایران به استقلال داخلی با تمایل به استقلال بین‌المللی توأم است که براساس آن ایران می‌تواند شرقی باشد یا غربی، یا هم شرقی باشد و هم غربی، یا نه شرقی باشد و نه غربی، چه آمریکا آن را بخواهد یا نخواهد؛ ۳. اعتقاد عمیق ایران به اینکه ایران در کنار «امت مسلمان مبارز» متعهد به شرکت در مسائل اسلامی بین‌الملل و منطقه‌ای، از جمله دفاع از اسلام، امت اسلامی و آرمان‌های اسلامی است (ریکس، ۱۳۷۹: ۴۷۷).

گروه‌های و جریان‌های سیاسی و فکری مختلفی در انقلاب اسلامی معتقد به رویارویی با آمریکا بودند که به ذکر سه نمونه بسنده می‌شود:

۱. **روحانیون اسلامی:** روحانیت اسلامی، ایالات متحده آمریکا را بیش از هر قدرت خارجی دیگری در گذشته، مضر به حال اسلام می‌دانست و یقیناً مضرتر از آنچه اتحاد شوروی می‌توانست باشد. از این گذشته، مسکو فقط با بهره‌گیری از زور اسلحه و یک گروه انقلابی کوچک وابسته به حزب کمونیست توده که طرفدار شوروی بود می‌توانست در ایران نفوذ کند. هیچ‌گونه تهدید فرهنگی از جانب مسکو وجود نداشت، زیرا شیوه زندگی در اتحاد شوروی برای ایرانیان وسوسه‌انگیز نبود. از طرف دیگر، ایالات متحده یک تهدید فرهنگی عمده علیه اسلام بود: فرهنگ مردم‌پسند آمریکایی، همراه با نگرش دنیوی، تأکید بر فردگرایی در مقابل اجتماع، دنبال کردن رضایت خاطر شخصی، اخلاقیات نرم و سهل‌گیری جنسی، شیوه زندگی

مصرف‌گرایانه و خصلت بین‌المللی و فراگیر رسانه‌های گروهی آمریکا، همگی در شرایطی در ایران ترویج می‌شد که به‌مثابه یک کالا مشتاقان فراوانی داشت. دانشجویان و نخبگان غرب‌گرای ایرانی، از ارزش‌های سنتی و فرهنگ اسلامی دور و جذب شیوه زندگی آمریکایی می‌شدند. روحانیت آمریکا را مشعلدار یک فرهنگ خداناشناسی می‌دانست که برای اسلام تهدید جدی بود. امام خمینی به کرات از این نوع پذیرش فرهنگ آمریکایی تحت عنوان «اسلام آمریکایی» سخن می‌گفت (فولر، ۱۳۸۷: ۲۹۰).

**۲. دانشجویان پیرو خط امام:** پذیرش شاه و اجازه ورود محمدرضا پهلوی به آمریکا، حمایت نخبگان سیاسی و فکری (مثل برژینسکی، راکفلر، کیسینجر و...) آمریکایی از شاه از یک طرف و نزدیک شدن دولت موقت مهندس بازرگان به آمریکا از طرف دیگر سبب بدبینی انقلابیون به موضع آمریکا در قبال انقلاب اسلامی شد. از دیدگاه انقلابیون، به‌ویژه دانشجویان پیرو خط امام، اقدام آمریکا در حمایت از شاه و نزدیکی دولت موقت توطئه‌ای برای از بین بردن انقلاب ایران قلمداد شد. دانشجویان پیرو خط امام در سیزدهم آبان ۱۳۵۸ در اعتراض و مخالفت با ورود شاه به آمریکا، سفارت این کشور را اشغال کردند.

**۳. حزب توده و فداییان خلق:** گروه‌ها و جریان‌های سیاسی چپ با الهام و تأثیرپذیری از ایدئولوژی مارکسیستی بر ضدیت و مبارزه با آمریکا به‌عنوان نماد امپریالیسم تأکید می‌کردند. هدف اصلی آنها کشاندن انقلاب ۱۳۵۷ در ایران به اردوگاه کمونیسم برای مبارزه با سرمایه‌داری بود که این عمل با هوشیاری امام خمینی ناکام ماند. مثلاً «چریک‌های فدایی خلق در اواخر سال ۱۳۵۷ وارد سفارت آمریکا شدند و آنجا را تسخیر کردند. این عمل با مخالفت امام خمینی مواجه شد و به دستور امام آنها از سفارت خارج شدند. حزب توده بدون توجه به تفاوت‌های بنیادین با جریان‌های اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) مبارزه با آمریکا را به‌عنوان وجه اشتراک با انقلابیون در نظر می‌گرفتند. آنها از اشغال سفارت آمریکا حمایت کردند و معتقد بودند که سفارت آمریکا مقری برای اقدام علیه انقلاب شده و تسخیر آن سبب از بین رفتن مقر براندازی انقلاب شده است» (توکلی، سایت مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۹۲). مخالفت حزب توده با غرب به‌حدی بود که تلاش کردند دولت بازرگان را دولتی غرب‌زده معرفی کنند. آنها تلاش کردند که «چهره دولت بازرگان را به‌عنوان یک دولت طرفدار غرب و حامی سرمایه‌داری که قسم خورده بود انقلاب را از مسیر خود منحرف کند ترسیم کنند (میلانی، ۱۳۸۵: ۲۸۷).

### ۳. سیاست خارجی جمهوری اسلامی در قبال آمریکا

مناسبات ایران و آمریکا در از ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۶ تحت تأثیر متغیرهای مختلف دچار فراز و نشیب بسیار شده است. تأثیرپذیری رابطه ایران و آمریکا از مؤلفه ایدئولوژی منبعث از انقلاب

اسلامی و حافظه تاریخی جامعه ایرانی از دخالت‌های آمریکا در امور داخلی (مثل کودتای ۲۸ مرداد) سبب شد که در سال ۱۳۵۸ سفارت این کشور در تهران توسط دانشجویان پیرو خط امام اشغال شود. در مقطعی دیگر وقوع ماجرای مک‌فارلین یا ایران گیت در سال ۱۹۸۶ متأثر از عناصر مصلحت‌گرایی و پراگماتیسم نخبگان سیاسی دو کشور بوده است. به عبارتی ایران و آمریکا بعد از پیروزی انقلاب در وضعیت‌های مختلف و پیچیده‌ای از جمله وضعیت جنگی، ستیز، کشمکش، صلح، مذاکره و آشتی به سر برده‌اند.

### الف) دوره صلح (دولت موقت؛ حاکمیت شکننده لیبرال‌ها)

این دوره با آغاز نخست‌وزیری بازرگان آغاز شد. بازرگان در طول دوره نخست‌وزیری خود، وضعیتی شکننده و متزلزل داشت و علی‌رغم تلاش زیاد، هیچ‌گاه به مرحله ثبات و استقرار نرسید. بازرگان و همفکرانش معتقد به ارتباط با غرب به‌ویژه آمریکا بودند، اما نخبگان سیاسی اجرایی و فکری آمریکایی به‌علت وقوع انقلاب اسلامی و از دست رفتن متحد راهبردی خود در منطقه مهم خاورمیانه در این مقطع دچار تردید و سردرگمی با اتخاذ تصمیماتی متناقض شدند. شماری از نخبگان سیاسی در آمریکا مثل کیسینجر، راکفلر و برژینسکی خواستار حمایت از شاه ایران و وفاداری به شاه بودند. عده‌ای دیگر مثل سالیوان خواستار شناسایی دولت موقت و ارتباط با نظام جدید بودند. دولت موقت خواهان ارتباط با آمریکا بود، اما حداقل به اعتقاد دولت موقت، آمریکایی‌ها خواهان چنین رابطه‌ای نبودند (میلانی، ۱۳۸۵: ۲۹۸).

### ب) دوره خصومت (۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸)

در این دوره با حاکمیت اصل «نه شرقی، نه غربی» بر سیاست خارجی ایران و ایجاد موج ضدآمریکایی ناشی از تسخیر سفارت این کشور و فعالیت احزاب و جریان‌های سیاسی چپ کمونیستی در ایران، ستیز با آمریکا، تبدیل به شاخص و هویت انقلاب اسلامی و انقلابی‌گری شد. ایران با سیاست‌های اعلانی و اعمالی خود در عرصه جهانی مخالفت خود را با آمریکا اعلام می‌داشت.

### ج) دوره تنش‌زدایی (۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴)

۱. دوره هاشمی: با انتخاب هاشمی رفسنجانی به ریاست جمهوری اسلامی ایران در تیرماه ۱۳۶۸، امید به تنش‌زدایی در روابط ایران و آمریکا افزایش یافت. عطاءالله مهاجرانی معاون پارلمانی رئیس‌جمهور در ۶ اردیبهشت ۱۳۶۹ در مقاله کوتاهی که در روزنامه اطلاعات به

چاپ رسید، از لزوم مذاکره مستقیم با آمریکا سخن به میان آورد. ایران برای اثبات حسن نیت در مقطعی به آزادی گروگان‌های غربی در لبنان کمک کرد، ولی این حسن نیت به حسن نیت متقابل آمریکا مواجه نشد. از این رو یک بار دیگر جو بی‌اعتمادی و سوءظن بر روابط ایران و آمریکا حاکم شد. آمریکا عادی‌سازی روابط با جمهوری اسلامی را مشروط به تغییر رفتار ایران در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای، صلح خاورمیانه، تروریسم و حقوق بشر کرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸). از اهداف ویژه هاشمی تغییر نگاه آمریکا به ایران بود (میلانی، ۱۳۸۳: ۱۹۲).

۲. دوره خاتمی: مهم‌ترین و مشکل‌ترین بُعد تنش‌زدایی در دوره خاتمی، تلاش برای کاهش تنش و رویارویی بین ایران و آمریکا بود. خاتمی سعی کرد از طریق گفت‌وگوی مستقیم با مردم آمریکا و گفت‌وگوی غیرمستقیم با دولت آمریکا، سیاست هاشمی رفسنجانی را در جهت پرهیز از تقابل با این کشور تعمیق کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸). با وجود تغییرات فوق‌العاده در رویکرد ایران به کل مناسبات بین‌المللی و به‌ویژه رابطه با مردم آمریکا، پاسخ اولیه مقامات آمریکایی بسیار محتاطانه و از این نظر با نفس اصول سیاست خارجی دولت کلینتون در تعارض مستقیم بود (رمضانی، ۱۳۸۱: ۱۲۳). با اینکه خاتمی سیاست تنش‌زدایی با آمریکا را مدنظر داشت، این کشور با تکرار اتهامات گذشته علیه ایران، از سیاست «مهار دوگانه» سخن راند و در نهایت بعد از حوادث یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ با قرار دادن ایران در «محور شرارت» عملاً سبب افزایش تنش بین ایران و آمریکا شد.

#### د) دوره خصومت ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲

با پیروزی احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست در سال ۱۳۸۴، مناسبات ایران و آمریکا وارد مرحله جدیدی شد. اقدامات خصومت‌آمیز آمریکا و ایران علیه یکدیگر، سبب افزایش تنش بین آنها شد. تنش بین ایران و آمریکا در حوزه‌ها و عرصه‌هایی مثل مخالفت واشینگتن با ایفای نقش ایران در خاورمیانه، تداوم برنامه هسته‌ای ایران، صدور قطعنامه‌های متعدد علیه ایران در شورای امنیت، تحریم‌های گسترده و همه‌جانبه اقتصادی علیه ایران، تلاش آمریکا برای ایجاد اجماع جهانی علیه ایران و انزوای سیاسی ایران در جهان از جمله اقدامات خصومت‌آمیز متقابل ایران و آمریکا است (Kamrava, 2008: 13).

#### ۴. سیاست خارجی روحانی

با تشکیل کابینه حسن روحانی انتقال از دولت اصول‌گرا به دولت تکنوکرات به ارث گذاشته‌شده از هاشمی رفسنجانی در ایران صورت گرفت. اولویت‌های اصلی این دولت حل



مشکلات اقتصادی و برون‌رفت از بحران هسته‌ای ایران بود. تلاش برای حل بحران اقتصادی فرصتی برای مذاکره با آمریکا برای دولت روحانی و حامیانش فراهم آورد.

روحانی تلاش کرد برای حل مشکلات اقتصادی، محور سیاست خارجی خود را ارتباط با آمریکا و همکاری با این کشور قرار دهد. روحانی در غرب به‌عنوان سیاستمداری پراگماتیک که سبب تعلیق برنامه هسته‌ای ایران در دوره ریاست جمهوری خاتمی شد، شناخته می‌شود. این مسئله به‌همراه انتخاب محمدجواد ظریف به‌عنوان وزیر خارجه سبب شد که سیاست خارجی ایران به‌سمت کاهش تنش با غرب به‌ویژه آمریکا سوق داده شود (Przeczek, 2013, 70).

انتخاب حسن روحانی به ریاست جمهوری فرصت مطلوبی را برای مذاکره با آمریکا فراهم کرد. از دیدگاه روحانی، رابطه خصمانه ایران و آمریکا مسیر درستی نیست. روحانی بیان داشت: «ادامه این روند برای ایران، آمریکا و منطقه مسیر درستی نیست. ما باید این تخاصم را به‌تدریج مهار کنیم و آن را به رابطه تنش‌آمیز کاهش دهیم و بعد به‌سوی کاهش تنش حرکت کنیم» (روحانی، ۱۳۹۲).

آرشین ادیب مقدم<sup>۱</sup> در مورد سیاست خارجی روحانی بر نکات زیر تأکید می‌کند:

- روحانی تلاش دارد از زبان جدید در روابط خارجی برای بیان ترجیحات استراتژیک استفاده کند؛
- سیاست خارجی روحانی تحت تأثیر شخصیت هاشمی است؛
- روحانی معتقد به استفاده از دیپلماسی در قبال شورای همکاری خلیج فارس به‌خصوص عربستان سعودی است؛
- روحانی درصدد برقراری روابط دیپلماتیک با اتحادیه اروپا به‌خصوص بریتانیا است. ایران تلاش دارد از اهرم اتحادیه اروپا برای برقرار روابط با ایالات متحده آمریکا بهره گیرد (Arshin Adib-Moghaddam, 2013:4).

## ۵. سیاست خارجی روحانی در قبال آمریکا

نخبگان سیاسی آمریکایی اذعان دارند که فرایند سیاسی ایران در برابر آمریکا به لحاظ پیچیدگی به‌مثابه جعبه سیاه است (Byrne, 2013:5). بازیگران در عرصه سیاسی ایران با نقش‌ها و جایگاه‌های متفاوت خط‌مشی‌های مختلفی را در زمینه سیاست خارجی ایران در قبال آمریکا مطرح می‌کنند (Al-Zaman Abu Shuair, 2014: 28). افکار و نظر نخبگان سیاسی درباره آمریکا را می‌توان در سه مکتب فکری قرار داد (Mousavian, 2014: 17- 20):

الف) کسانی که معتقدند آمریکا به سلطه‌طلبی خو گرفته است؛ مثلاً آیت‌الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی معتقد است که آمریکا نمی‌تواند از خوی سلطه‌طلبی خود دست بردارد و جمهوری اسلامی ایران سلطه آمریکا را نمی‌پذیرد. هدف راهبردی آمریکا، براندازی سیستم موجود و ایجاد یک سیستم جدید است تا دوباره رابطه حامی-پیرو را احیا کند. تجربه سیاسی برخورد آمریکا با جمهوری اسلامی از سال ۱۹۷۹ تاکنون رهبر انقلاب اسلامی را به این نتیجه سوق داده که آمریکا در پی تغییر رژیم<sup>۱</sup> در ایران است.

با توجه به جایگاه رهبری در مقام تعیین سیاست‌های کلی نظام، نظرها و عقاید ایشان در مذاکره و ارتباط با آمریکا محوری است. از دیدگاه مقام معظم رهبری «نرمش و انعطاف و مانور هنرمندانه و قهرمانانه در همه عرصه‌های سیاسی، کار مطلوب و مورد قبولی است، لکن این مانور هنرمندانه نباید به معنای عبور از خطوط قرمز، یا برگشتن از راهبردهای اساسی، یا عدم توجه به آرمان‌ها باشد؛ اینها را باید رعایت کرد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲ الف). کاربرد مفهوم «نرمش قهرمانانه» توسط مقام معظم رهبری به منزله مجوزی برای مذاکره با آمریکا با رعایت خطوط قرمز تعبیر شد. رهبری با کاربرد این مفهوم «عدم مخالفت خود را با طرح موضوع مذاکره با آمریکا مطرح کرده و عملاً فضا را برای دولت برای مذاکره آبرومندانه، منطقی و از موضوع برابر فراهم کرده‌اند» (رضایی و ترابی، ۱۳۹۲: ۱۵۲).

در دوره‌های رؤسای جمهوری قبلی، نبود مذاکره و ارتباط با آمریکا، اغلب با دلایل ایدئولوژیکی و شعارهای منبعث از انقلاب اسلامی توضیح داده می‌شود. همچنین مذاکره با آمریکا به یک تابو تبدیل شده بود، اما در دولت یازدهم بر متضرر شدن ایران به دلیل بدعهدی و پیمان‌شکنی تأکید شد؛ به عبارتی علاوه بر دلایل یادشده، دلایل عینی، مادی و رئالیستی در بی‌اعتمادی به آمریکا هم ذکر می‌شد. مثلاً مقام رهبری با تعبیر مختلف و مثال‌های فراوانی به بدعهدی‌ها، عهدشکنی‌ها و سخنان و سیاست‌های متناقض آمریکایی‌ها پرداخته و نسبت به خوش‌بینی به آمریکایی‌ها هشدار داده است. از دیدگاه رهبری «ما دولت ایالات متحده آمریکا را دولتی غیرقابل اعتماد می‌دانیم؛ دولتی خودبرتربین، دولتی غیرمنطقی و عهدشکن، دولتی که سخت در پنجه‌ی تصرف و اقتدار شبکه صهیونیسم بین‌المللی قرار دارد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲ ب).

ب) کسانی که معتقدند تضاد ذاتی بین نظام اسلامی و غرب وجود دارد. حامیان این مکتب نخبگان سیاسی رادیکال هستند. آنها معتقدند راه رسیدن به موفقیت در مقابل با آمریکا مقاومت ناب است تا آمریکا ایران را به رسمیت بشناسد و به هويت آن احترام بگذارد. از نظر آنها مذاکره با آمریکا به منزله شکست است و مذاکره باید خط قرمز نظام در نظر گرفته شود. جمهوری اسلامی پرچمدار مبارزه علیه سلطه‌طلبی جهانی است و مقاومت ایران در مقابل

آمریکا، جمهوری اسلامی را به‌عنوان الگویی برای همهٔ آزادیخواهان در جهان اسلام معرفی کرده است.

ج) کسانی که به راه میانه و اعتدال در قبال غرب معتقدند. هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور سابق ایران و حسن روحانی رئیس‌جمهوری فعلی ایران معتقدند که ایران و آمریکا منافع مشترک اقتصادی و سیاسی فراوانی دارند. برای مثال افراط‌گرایی در منطقه، دشمن مشترک ایران و آمریکا است؛ بنابراین همکاری دو طرف برای ریشه‌کن کردن افراط‌گرایی ضروری است. از این رو براساس منافع مشترک بازسازی موقعیت آمریکا به‌سوی نظام ایران وجود دارد. (Mousavian, 2014: 17- 20)

یکی از عواملی که سبب کاهش تنش و اتخاذ راه حل دیپلماسی در رابطهٔ ایران و آمریکا می‌شود، به قدرت رسیدن نخبگانی عمل‌گرا و واقع‌گرا در دو کشور است. نخبگانی با ماهیت شخصیتی ایدئولوژیک و انعطاف‌ناپذیر در عرصهٔ سیاست خارجی سبب افزایش اختلافات و تنش بین دو کشور می‌شود (Katz, 2014: 51).

روحانی با در پیش گرفتن رویکرد مذاکرهٔ مستقیم، علنی و رسمی با ایالات متحدهٔ آمریکا نقطهٔ عطفی را در روابط دو کشور ایجاد کرد. دیدارها و گفت‌وگوهای متعدد وزیر خارجهٔ آمریکا و ایران دربارهٔ مسائل مختلف خاورمیانه به‌ویژه مسئلهٔ هسته‌ای به‌صورت علنی و رسمی صورت می‌گرفت. این امر از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ تا دورهٔ روحانی صورت نگرفته بود. از دیدگاه روحانی «در شرایط کنونی باید وضعیت و شرایط فعلی را به‌دقت ارزیابی کرد و در صورت اقتضا، از مذاکره و گفت‌وگوی دوجانبه با آمریکا پرهیز نکرد. در گام‌های نخست باید به مذاکره به‌مثابهٔ بستری برای جلوگیری از شدت یافتن فشارها و متوقف ساختن روند تحریم‌های کنونی نگریسته شود و در مراحل بعدی باید در پی تعدیل فضا تا حذف کامل تحریم‌ها پیش رفت» (روحانی، ۱۳۹۲).

## ۶. اهداف روحانی از تنش‌زدایی با آمریکا

روحانی بعد از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۳ در ایران در عرصهٔ سیاست خارجی بر مذاکرهٔ جدی با کشورهای غربی، کاهش تنش با همسایگان از طریق تعامل سازنده، بهبود وضعیت اقتصادی و ارتقای جامعهٔ ایرانی تأکید می‌کرد. روحانی با اقدامات سازنده دورهٔ جدیدی را روابط با غرب آغاز کرد. روحانی معتقد بود که به‌دلیل بی‌اعتمادی بین ایران و گروه ۵ به‌علاوه ۱، مذاکرات به شکست انجامیده است. مکالمهٔ تلفنی تاریخی بین روحانی و اوباما در سال ۲۰۱۳ مثل دیدار ظریف وزیر خارجهٔ ایران و جان کری وزیر خارجهٔ آمریکا سبب شکاف در دیوار بی‌اعتمادی شد و این عمل به‌عنوان یک اقدام اعتمادساز تعبیر شد (Haji-Yousefi: 2015: 10).

روحانی با بهبود چهره جمهوری اسلامی در جامعه بین‌المللی آمادگی خود را برای معامله جدی با غرب نشان داد. بیشتر وزیران کابینه روحانی تحصیل‌کرده دانشگاه‌های آمریکا بودند. آنها طرفدار ارزش‌های اجتماعی غرب نیستند، اما با زندگی در جامعه غربی فهم بهتری درباره غرب دارند.

تعامل سازنده، مفهومی که اخیراً در سیاست خارجی ایران به کار می‌رود، تلاش دولت برای اصلاحات اقتصاد را نشان می‌دهد این امر نیاز جامعه ایرانی و در راستای تقویت جایگاه بین‌المللی ایران است. تنش‌زدایی با غرب به‌ویژه ایالات متحده آمریکا در دستیابی به این هدف تأثیر بسیار مهمی دارد. تنش‌زدایی بین ایران و آمریکا سبب تغییر توازن قدرت و بازسازی نقشه منطقه می‌شود (Chabkoun, 2014:4).

**الف) سیاست خارجی تنش‌زدا در خدمت توسعه:** ایده دولت توسعه‌گرا بدین معناست که دولت در عرصه سیاست خارجی باید همه تلاش خود را برای ایجاد زمینه و انگیزه برای رشد و توسعه اقتصادی مهیا کند. بخش مهمی از تکنولوژی‌ها، سرمایه‌ها و تجارب در اختیار کشورهای پیشرفته است که تنها از طریق تعامل سازنده می‌توان آنها را جذب کرد و در راستای منافع و قدرت ملی از آنها بهره گرفت؛ بنابراین می‌توان سیاست خارجی روحانی را «تعامل سازنده با جهان در چارچوب ایده دولت توسعه‌گرا» نامید (رضایی - ترابی، ۱۳۹۲: ۱۵۸). روحانی سیاست خارجی را نقطه عزیمت خود برای حل مسائل و مشکلات اقتصادی در نظر گرفت. از دیدگاه روحانی برای دستیابی به توسعه اقتصادی باید در سیاست خارجی ایران تغییراتی حادث شود. «روحانی با رها شدن از تحریم‌ها درصدد لیبرالیزه کردن اقتصاد ایران و بهبود استانداردهای زندگی طبقه متوسط است (Alfoneh, 2016). هدف اصلی سیاست خارجی روحانی در قبال آمریکا، کاهش سیاست خصمانه و ستیزه‌جویانه آمریکا علیه ایران، مهار و کنترل آن و کاهش تهدیدهای خارجی علیه جمهوری اسلامی ایران است تا از این طریق ضمن راغب کردن شرکت‌ها و نهادهای اقتصادی جهان به سرمایه‌گذاری در ایران، توسعه اقتصادی در کشور انجام گیرد.

**ب) تنش‌زدایی در راستای تأمین امنیت ملی:** از دیدگاه روحانی حل مسائل و مشکلات در حوزه سیاست خارجی به کاهش تهدیدهای امنیتی علیه نظام می‌انجامد. از دیدگاه دولت روحانی تهدیدها علیه ایران، تروریسم، افراط‌گرایی و خشونت‌ورزی در منطقه خاورمیانه است. در مسئله پرونده هسته‌ای، غرب با ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد و صدور چندین قطعنامه در چارچوب فصل هفتم سازمان ملل متحد علیه ایران و همچنین طرح اتهاماتی مثل حمایت از تروریسم و نقض حقوق بشر درصدد بود جمهوری اسلامی را به‌مثابه یک پدیده «امنیتی» در جهان مطرح کند تا علاوه بر ایجاد تحریم‌های گسترده،

در شرایط مقتضی تهدیدهای بیشتری علیه جمهوری اسلامی ایجاد کند. «چند کشور غربی به رهبری آمریکا تلاش داشتند به بهانه موفقیت ایران در عرصه هسته‌ای و همچنین به‌عنوان تهدیدی علیه امنیت منطقه‌ای و حتی جهانی معرفی نمایند. به باور آقای روحانی از طریق تعامل سازنده با جهان، اعتمادسازی، تنش‌زدایی، بهبود چهره و تصویر ایران و به‌خصوص از طریق کسب اعتبار، می‌توان ایران را نه به‌عنوان یک پدیده امنیتی و تهدیدزا، بلکه به‌عنوان کشوری صلح‌طلب، اقتصادی و فرهنگی معرفی نمود» (رضایی - ترابی، ۱۳۹۲: ۱۴۹).

ج) **عادی‌سازی<sup>۱</sup> سیاست خارجی ایران:** نمود خط مشی عملی و رفتار نخبگان سیاسی در دولت یازدهم را می‌توان در پذیرش وضعیت موجود نظام بین‌الملل، تبعیت از قواعد، مقررات و ترتیبات نظام بین‌الملل، پیروی از تصمیمات و توصیه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت، همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، استفاده از دیپلماسی چندجانبه برای پیشبرد منافع ملی و پرهیز از تحریک دیگران برای ایجاد ثبات مشاهده کرد. یکی از نمودهای عینی پیروی از سیاست عادی‌سازی روابط ایران براساس تأمین ثبات و امنیت و به رسمیت شناختن قواعد بازی دیدارها و سفرهای متعدد وزیر امور خارجه ایران به کشورهای مختلف، اروپایی، آمریکایی و آسیایی است. روحانی سیاستمداری میانه‌رو، پراگماتیک و تکنوکرات است. او به‌عنوان یک بین‌الملل‌گرای میانه‌رو<sup>۲</sup> به گسترش روابط با سایر بازیگران بین‌المللی معتقد بوده و بر این باور است که انقلاب ایران زمانی خوب کار می‌کند که درون جامعه بین‌المللی<sup>۳</sup> در نظر گرفته شود (Chubin, 2013:5). از دید روحانی، ادامه وضع موجود بین ایران و آمریکا سبب انزوای ایران شده است. بنابراین باید برای تغییر روابط بین دو کشور اقدام شود (Monshipouri, Dorraj, 2013: 133). بر این اساس او تلاش کرد از «مذاکرات هسته‌ای برای پایان دادن به انزوای بین‌المللی و رسیدن به یک روش زیست با ایالات متحده استفاده کند. او تلاش کرد با مذاکرات مستقیم و چهره‌به‌چهره، بی‌اعتمادی تاریخی بین دو کشور را کمرنگ کند» (Shanahan, 2015).

## ۷. موافقان رابطه ایران آمریکا

الف) **اصلاح‌طلبان:** این گروه شامل شماری از روشنفکران و نخبگان فکری و سیاسی چپ در ایران است. از دیدگاه آنها ارتباط با آمریکا به تغییر معادله قدرت و توسعه ایران کمک می‌کند و موجب تقویت جریان تجددگرا در ایران می‌شود. آنان به‌ویژه با ورود به عصر جهانی شدن و بازتعریف مفاهیمی مثل «استقلال» و «وابستگی متقابل» بر ارتباط ایران و آمریکا تأکید دارند.

- 
1. Normalization
  2. moderate internationalist
  3. international community

ب) **عمل‌گرایان در ایران:** هاشمی رفسنجانی، روحانی (و نخبگان اجرایی پیرو آنها) و کارگزاران سازندگی جزء این گروه محسوب می‌شوند. زمانی روابط مسالمت‌آمیز بین ایران و آمریکا را می‌توان انتظار داشت که نخبگان سیاسی در دو کشور به سمت رویکردهای عمل‌گرایانه و مصلحت‌گرایانه متمایل شوند. از دید این افراد، ارتباط با آمریکا به مصلحت جمهوری اسلامی است. از دیدگاه عمل‌گرایان، آمریکا با اتخاذ سیاست خصمانه علیه جمهوری اسلامی به مثابه یک مانع عمده برای توسعه عمل می‌کند و تا زمانی که این مانع برداشته نشود، امکان توسعه ایران اندک است؛ بنابراین تنش‌زدایی بین ایران و آمریکا سبب جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه اقتصادی در ایران می‌شود.

از دیدگاه این گروه، عرصه‌های همکاری بین ایران و آمریکا عبارت‌اند از:

۱. تهدیدهای ژئوپلیتیک مشترک مثل مبارزه با تروریسم (طالبان و داعش)؛

۲. افزایش روابط تجاری و اقتصادی؛

۳. کاهش رقابت برای ایجاد حوزه نفوذ در کشورهای دیگر (به رسمیت شناختن حوزه نفوذ یکدیگر).

ج) **گرایش مصالحه‌جویانه در آمریکا:** بیشتر محققان سابق آمریکایی مثل برژینسکی، اسکوکرافت، ریچارد مورفی، گری سیک و ... طرفدار این رویکردند. آنها ضمن تأکید بر اهمیت استراتژیک ایران، خواهان پیروی آمریکا از سیاست اروپا نسبت به ایران هستند. این تحلیلگران، ایران قدرتمند را برای تلطیف حضور و نفوذ روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز عنصری اساسی و تعیین‌کننده می‌دانند (سبزیان موسی‌آبادی و موسوی، ۱۳۸۸: ۳۲).

د) در منطقه کشورهای میانه‌رو عربی مثل عمان از مذاکره ایران و آمریکا حمایت می‌کردند حتی پادشاه عمان به‌عنوان واسطه بین ایران و آمریکا عمل کرد. از دیدگاه این کشور روابط بهتر بین ایران و آمریکا در خدمت منافع کشورهای منطقه است. صلح بین ایران و آمریکا سبب ایجاد همکاری منطقه‌ای، صلح و ثبات بین ایران و همسایگانش به‌خصوص با عربستان سعودی می‌شود.

## ۸. موانع تنش‌زدایی بین ایران و آمریکا

در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی کنشگران سیاسی قدرتمندی وجود دارد که در صورت برقرار روابط ایران و آمریکا متضرر خواهند شد. بنابراین به تناسب ضروری که از بابت احیای رابطه ایران و آمریکا می‌بینند تلاش می‌کنند وضعیت موجود بین ایران و آمریکا حفظ شود.

**الف) به قدرت رسیدن ترامپ و تغییر نخبگان اجرایی در آمریکا**

وجود نخبگان سیاسی منعطف در مذاکرات سیاسی در کاهش تنش بین ایران و آمریکا عامل اساسی است. نخبگان سیاسی اجرایی در دو کشور (باراک اوباما و جان کری به‌عنوان رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه آمریکا و روحانی و ظریف به‌عنوان رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه ایران) تمایل به کاهش تنش بین دو کشور از طریق بده و بستن‌های سیاسی داشتند. این نخبگان اختلافات بین دو کشور را بر اساس عقلانیت اقتصادی و محاسبه‌گراییانه تحلیل می‌کردند تا براساس مؤلفه‌های هویتی و فرهنگی. به‌طور معمول در چنین فضایی است که بده و بستن‌های سیاسی در عرصه جهانی اتفاق می‌افتد، اما با تغییر نخبگان سیاسی در ایالات متحده آمریکا و به قدرت رسیدن ترامپ و سیاست خصمانه و تهاجمی علیه ایران، سیاست تنش‌زدایی با چالش اساسی مواجه شد.

با جابه‌جایی یا تغییر نخبگان در یک کشور ممکن است سیاست تنش‌زدایی با شکست مواجه شد. برای مثال با به قدرت رسیدن ترامپ و اتخاذ سیاست‌های خصمانه علیه ایران، سیاست کاهش تنش روحانی با غرب و به‌ویژه با آمریکا با چالش اساسی مواجه شد.

در ایالات متحده آمریکا گرایش‌های ضد ایرانی در بین اشخاص، گروه‌ها و نهادهای حکومتی دیده می‌شود. «طرفداران این گرایش بیشتر در بین دولتمردان جمهوری‌خواه، کنگره آمریکا و محافل یهودی است. افرادی مانند جان بولتون (سناتور تام کاتن) خواهان شدت عمل بیشتری در مقابل ایران هستند. این گرایش به شدت زیر نفوذ محافل صهیونیستی آمریکاست (ر.ک سبزیان موسی‌آبادی و موسویان، ۱۳۸۸: ۳۲)

با تغییر نخبگان اجرایی در آمریکا و به قدرت رسیدن ترامپ، فرصت برای تشدید لابی‌های مخالفان جمهوری اسلامی (لابی آپیک، لابی اعراب و...) مهیا شد. با اتخاذ سیاست‌های خصمانه علیه ایران توسط ترامپ، تنش‌زدایی روحانی با چالش بزرگی مواجه شد. ترامپ با خروج یکجانبه از برجام درصدد فشار به ایران برای تغییر سیاست‌های منطقه‌ای و دفاعی‌اش است.

رئوس سیاست‌های خصمانه دولت ترامپ علیه ایران عبارت‌اند از:

۱. ممنوعیت ورود ایرانیان به آمریکا به اتهام مبارزه با تروریسم (براساس فرمان حفاظت از ملت آمریکا در برابر ورود تروریست‌ها به خاک این کشور)؛
۲. خروج یکجانبه از برجام؛ احیا و تشدید تحریم‌های بخش انرژی، بانکی، کشتیرانی و حمل‌ونقل؛

۳. آغاز جنگ روانی، سیاسی و تبلیغاتی با هدف ایجاد آشوب و ناامنی در ایران؛

۴. تشدید فشارهای سیاسی و تبلیغاتی علیه سیاست‌های منطقه‌ای و دفاعی ایران؛

۵. متهم کردن ایران به نقض حقوق بشر و حمایت از تروریسم؛
۶. حمایت ترامپ و تیم وی از مخالفان جمهوری اسلامی ایران؛
۷. فعالیت‌های سیاسی و تبلیغاتی به منظور تخریب وجهه سپاه پاسداران؛
۸. تلاش ترامپ برای ایجاد هماهنگی با دولت‌های اروپایی مثل آلمان، انگلیس و فرانسه علیه سیاست‌های منطقه‌ای و موشکی ایران.

### ب) سطح منطقه‌ای

اعراب به‌ویژه همسایگان جنوبی ایران، تنش و نزاع میان ایران و آمریکا را در راستای منافع خود می‌بینند. کشورهای حاشیه خلیج فارس به‌خصوص عربستان احساس می‌کنند که به دلایل ژئوپلیتیک، فرهنگی و هویتی از سازش بین ایران و آمریکا متضرر خواهند شد. آنها معتقدند که ارتباط ایران با آمریکا سبب به حاشیه راندن آنها از عرصه سیاست منطقه‌ای و تنزل جایگاه آنها می‌شود. عربستان به‌عنوان رقیب اصلی ایران در منطقه به‌خصوص در سرزمین‌های مثل عراق، سوریه و لبنان و یمن معتقد است تعامل ایران و آمریکا سبب تغییر معادله قدرت در خاورمیانه به نفع ایران می‌شود.

ترکیه نیز به‌عنوان کشوری که نقش مهمی در خاورمیانه برای خود متصور شده است، تحریم، انزوا و تقابل ایران و آمریکا را در راستای منافع ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک خود می‌داند. «مصالحه بین ایران و غرب (به‌خصوص آمریکا) در کوتاه‌مدت برای ترکیه مزیت راهبردی دارد، اما در درازمدت می‌تواند به دلیل افزایش نفوذ ایران و افزایش هزینه ترکیه در منطقه به منافع راهبردی ترکیه آسیب وارد کند» (Jaber Thalji, 2014:91).

اسرائیل نیز از مهم‌ترین بازیگران تخریبگر مذاکره و تعامل ایران و آمریکا است. «لابی آپیک در کنگره آمریکا بر این اعتقاد است که اگر روابط ایران با آمریکا بهبود یابد، قدرت سیاسی ایران در منطقه افزایش می‌یابد و همسو با افزایش قدرت نظامی و زیرساخت‌های اقتصادی، قدرت برتر منطقه‌ای خواهد شد و این مسئله موجب خواهد شد که توازن قوا در منطقه به نفع ایران و به ضرر اسرائیل و متحدان عرب آمریکا تغییر یابد (غرقی، ۱۳۹۱).

اگر نقش آمریکا در رقابت استراتژیک ایران-اسرائیل تغییر یابد، رژیم صهیونیستی باید به‌تنهایی مخالفت و رقابت با ایران را ادامه دهد. پدید آمدن چنین وضعیتی با توجه به نفوذ گسترده ایران در منطقه و انزوای این رژیم، پیامدهای منفی‌ای برای آن خواهد داشت از آنجا که تل‌آویو بزرگ‌ترین بازنده بازتعریف روابط ایران و آمریکا خواهد بود، با توجه به بهره‌مندی از لابی آپیک در آمریکا، مخرب‌ترین تأثیرات را بر روند بهبود روابط دو طرف خواهد داشت (شریعتی‌نیا، ۱۳۸۸: ۸). در فرایند مذاکرات هسته‌ای بین ایران و آمریکا، همکاری اسرائیل و عربستان



برای تخریب مذاکرات شروع شد. «اتحاد عربستان با اسرائیل علیه ایران وخامت روابط را به‌گونه‌ای تشدید کرده که روابط ریاض- تهران با عنوان «جنگ سرد» توصیف می‌شود». (موسویان، ۱۳۹۵). عربستان سعودی و بعضی از کشورهای عربی معتقدند این روابط در چارچوب بازی با حاصل جمع جبری صفر<sup>۱</sup> قابل تحلیل است. بنابراین در رقابت دائمی با ایران به سر می‌برند (Mousavian, 2014: 25). لابی‌های یهودی از جمله فعال‌ترین مخالفان توافق هسته‌ای غرب با ایران بودند و در آستانه توافق هسته‌ای نتانیاهاو، نخست‌وزیر کنونی اسرائیل با انتقاد از غرب تأکید کرد که با وجود این، ما متعهد به ممانعت از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای هستیم (موسوی، ۱۳۹۵: ۵۰۴).

ترکیه و امارات نیز از کشورهای منطقه هستند که سیاست‌های خصمانه آمریکا علیه ایران به سود کلان اقتصادی و مزیت‌های راهبردی دست یافته است. امتیازات مکسبه این دو کشور در وضعیت تنش بین ایران و آمریکا با رفع تنش از بین خواهد رفت؛ بنابراین این دو کشور نیز از مخالفان تعامل ایران و آمریکا خواهند شد.

### ج) سطح جهانی

روسیه، چین و کشورهای بزرگ اتحادیه اروپا مثل انگلیس، آلمان و فرانسه قدرت مانور گسترده‌ای با توجه تنش بین ایران و آمریکا پیدا کرده‌اند (قهرمانپور، ۱۳۸۸: ۱۱). کاهش تنش و تعامل میان ایران و آمریکا سبب تقویت جریان غرب‌گرا در ایران شود. از این بابت، روسیه بابت همکاری نظامی و راهبردی با ایران و چین با توجه به اینکه قسمت اعظم بازار مصرف ایران را اشغال کرده‌اند متضرر خواهد شد. کشورهای اروپا نیز مثل انگلیس، فرانسه و آلمان تا حدودی از بهبود رابط ایران و آمریکا متأثر خواهند شد. آنها تمایل دارند بازار نفت، انرژی و صنعت ایران را تسخیر کنند. در صورت آغاز روابط رسمی ایران و آمریکا، حضور و نفوذ اتحادیه اروپا در ایران کاهش خواهد یافت، به‌خصوص اینکه حافظه تاریخی ایرانیان از عملکرد قدرت‌هایی مثل انگلیس، فرانسه و روسیه در طول تاریخ خاطرات بدی دارد.

چین از دیگر کشورهایی است که در وضعیت تنش بین ایران و آمریکا، منافع اقتصادی و راهبردی کلانی کسب کرده است. چین توانسته است «بازار ایران را به تسخیر خود درآورد. شرکت‌های چینی با وجود سطح نازل دانش فنی، در صنعت نفت کشورمان موقعیت ویژه‌ای به‌دست آورده‌اند. افزون‌بر این، تمرکز آمریکا بر ایران سبب گشایش راهبردی برای چین می‌شود تا بتواند مسیر تبدیل شدن به رقیب قدر برای آمریکا را با آرامش طی کند (شریعتی‌نیا، ۱۳۸۸: ۹).

## ۹. نتیجه

در حوزه سیاست خارجی ایران دو رویکرد عمده وجود دارد. در رویکرد اول، بر ترمیم روابط با کشورهای قدرتمند منطقه خاورمیانه برای تأمین منافع و امنیت ملی ایران تأکید می‌شود و ارتباط با قدرت‌های بزرگ به‌ویژه آمریکا در اولویت بعدی قرار می‌گیرد. اما عده‌ای دیگر معتقدند تا زمانی که ارتباط با قدرت‌های بزرگ صورت نگرفته است، ارتباط با بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی سودمند و اثبات نخواهد بود.

پیروزی حسن روحانی در انتخابات ۱۳۹۲ و تفوق گفتمان اعتدال در فضای سیاسی ایران سبب احیای تنش‌زدایی در حوزه سیاست خارجی ایران شد. سیاست خارجی روحانی و مصالحه با آمریکا به مهم‌ترین و بنیادی‌ترین مؤلفه گفتمان اعتدال در حوزه جهان خارج است. مذاکره و ارتباط با آمریکا نقطه عطف مهم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی محسوب می‌شود، چراکه بعد از ۳۵ سال این کار به صورت علنی و آشکارا صورت گرفت.

صدور قطعنامه‌های متعدد در شورای امنیت علیه ایران طبق فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد، تحریم‌های اقتصادی سختگیرانه، تورم، بیکاری، کاهش ارزش پول ملی و به‌طور کلی نابسامانی‌های اقتصادی سبب شد راه حل مذاکره با ایالات متحده آمریکا که توسط روحانی ارائه شده بود مورد توجه قرار گیرد.

از دیدگاه روحانی بین «بازسازی سیاست خارجی» و «بهبود وضعیت اقتصادی» کشور رابطه مستقیم وجود دارد. با توجه به ساخت قدرت جهانی، ارتباط با قدرت هژمون عامل اساسی در پیشبرد اهداف و تأمین منفعت ایران است. اگر ارتباط بین ایران و قدرت هژمون شروع شود، دیگر کشورها و به‌ویژه کشورهای منطقه رفتار خودشان با ایران را براساس این مؤلفه تنظیم خواهند کرد. روحانی با در پیش گرفتن سیاست مبتنی بر دیپلماسی درصدد تنش‌زدایی در حوزه سیاست خارجی به‌خصوص در ارتباط با ایالات متحده آمریکا بود. هدف سیاست خارجی روحانی در قبال آمریکا، کاهش سیاست خصمانه و ستیزه‌جویانه آمریکا علیه ایران، مهار، کنترل آن و کاهش تهدیدهای خارجی علیه جمهوری اسلامی ایران است تا از این طریق ضمن ترغیب شرکت‌ها و نهادهای اقتصادی جهان به سرمایه‌گذاری در ایران، توسعه اقتصادی در کشور انجام گیرد.

نخبگان اجرایی و سیاسی در ایران بارها سیاست تنش‌زدایی با ایالات متحده آمریکا را آزمایش کرده‌اند، اما در عمل با پرداخت هزینه‌های سنگین سیاسی با ناکامی مواجه شده‌اند. بدقابلی تنش‌زدایان در ایران این بود که زمانی که آنها درصدد کاهش تنش و خصومت با آمریکا بودند، در آمریکا افراد تندرو و رادیکال قدرت را به‌دست می‌گرفتند و با اتخاذ روحیه سلطه‌جویی و تحریم گسترده ایران درصدد تغییر رفتار و ماهیت نظام سیاسی برمی‌آمدند. به

نظر می‌رسد سیاست تنش‌زدایی بین ایران و آمریکا مثل یک تسکین‌دهنده عمل کرده است. تجربه جمهوری اسلامی حاکی از این است که اتخاذ سیاست تنش‌زدایی از سوی ایران به‌تنهایی قادر به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین دو کشور نیست.

## منابع و مأخذ

### الف) فارسی

۱. ازغندی، علیرضا (۱۳۸۴). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: قومس.
۲. پلینو، جک سی؛ و آلتون، روی (۱۳۷۵). فرهنگ روابط بین‌الملل، ترجمه و تحقیق حسین پستا، تهران: فرهنگ معاصر.
۳. توکلی، یعقوب (۱۳۹۲). چگونگی تسخیر سفارت آمریکا در بهمن ۵۷ توسط چریک‌های فدایی خلق و دستور امام برای خروج تسخیرکنندگان از سفارت، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) ۱۳/۶، ۱۳۹۲- <http://www.imam-khomeini.ir/fa>
۴. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲ الف). بیانات در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24132>
۵. ----- (۱۳۹۲ ب). دیدار فرماندهان و کارکنان سپاه پاسداران با رهبر انقلاب، <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=24027>
۶. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸). سیاست خارجی جمهوری اسلامی، تهران: سمت.
۷. رضایی، علیرضا؛ و ترابی، قاسم (۱۳۹۲). «سیاست خارجی دولت حسن روحانی، تعامل سازنده در چارچوب دولت توسعه‌گرا»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ش ۱۵.
۸. رمضان، روح‌الله (۱۳۸۱). چارچوب تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، چ دوم، تهران: نشر نی.
۹. روحانی، حسن (۱۳۹۲). روحانی: نمی‌خواهیم تا ابد با آمریکا قهر باشیم، <http://www.irdiplomacy.ir>
۱۰. ریکس توماس. م (۱۳۷۹). «سیاست قدرت و فرهنگ سیاسی: آمریکا و ایران»، ترجمه غلامرضا بهروز لک، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سوم، ش ۱ و ۲، بهار و تابستان، شماره مسلسل ۷ و ۸.
۱۱. سبزیان موسی‌آبادی، علیرضا؛ و موسویان، سید محمد (۱۳۸۸). «چالش‌های نظری در روابط ایران و آمریکا»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، ش نخست.
۱۲. شریعتی‌نیا، محسن (۱۳۸۸). «بازیگران میانی»، همشهری دیپلماتیک، ش ۳۵.
۱۳. غرق، مرتضی (۱۳۹۱). آیا بهبود رابطه ایران و آمریکا جدی است؟ سایت دیپلماسی ایرانی.
۱۴. فولر، گراهام (۱۳۸۷). قیله عالم ژئوپلیتیک ایران، چ سوم، ترجمه عباس مخیر، تهران: مرکز.
۱۵. قهرمانپور، رحمن (۱۳۸۸). «تأملی بر دیدگاه‌های کشورهای مخالف عادی شدن روابط ایران و آمریکا»، همشهری دیپلماتیک، ش ۳۵.
۱۶. متقی، ابراهیم؛ و محمدی منوچهر (۱۳۸۴). «دکترین تعامل سازنده»، فصلنامه مطالعات راهبردی یاس، سال اول، ش ۲.
۱۷. موسوی، راضیه (۱۳۹۵). «رابطه ایران و آمریکا؛ مسئله اسرائیل»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۶، ش ۲.
۱۸. موسویان، سید حسین (۱۳۹۵). برندگان شکست برجام چه کسانی هستند؟ <http://www.isna.ir>
۱۹. میلانی، محسن (۱۳۸۳). سیاست خارجی ایران در صحنه جهانی، ترجمه نوذر شفیعی، فصلنامه راهبرد، ش ۳۱.
۲۰. میلانی، محسن (۱۳۸۵). شکل‌گیری انقلاب اسلامی از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی، ترجمه مجتبی عطارزاده، چ چهارم، تهران: گام نو.

## (ب) خارجی

21. Alfoneh Ali (2016). Iran's Expendable President Rouhani, <http://www.worldaffairsjournal.org/article/iran%E2%80%99s-expendable-president-rouhani>.
22. Al- zaman Abu shuair Farah (2014). Domestic Voices: Actors in Iran's Political Arena, <http://studies.aljazeera.net/en/dossiers/2014/04/2014428265736569.html>.
23. Adib-Moghaddam Arshin (2013). Iran After Ahmadinejad, <https://www.chathamhouse.org/sites/files/chathamhouse/public/Meetings/Meeting%20Transcripts/180613Iran.pdf>
24. Byrne Malcolm (2013). The Domestic and Foreign policy challenges of the New Iranian President, Hassan Rouhani, [https://www.wilsoncenter.org/sites/default/files/domestic\\_and\\_foreign\\_policy\\_challenges\\_of\\_the\\_new\\_iranian\\_president\\_hassan\\_rouhani\\_0.pdf](https://www.wilsoncenter.org/sites/default/files/domestic_and_foreign_policy_challenges_of_the_new_iranian_president_hassan_rouhani_0.pdf)
25. Chabkoun Malak (2014). Iran-US Rapprochement Iran's Future Role, <http://studies.aljazeera.net/mritems/Documents/2014/4/6/20144610115142734Iran-US%20Rapprochement%20Irans%20Future%20Role.pdf>.
26. Dueck Colin(2000). Détente: Was Détente a Success? History in Dispute, 2000 From World History in Context, <http://ic.galegroup.com>.
27. Dinesh (2016). Detente: Meaning, Factors, Progress and New Détente-, <http://www.yourarticlelibrary.com/international-politics/detente-meaning-factors-progress-and-new-detente/48506>.
28. Jaber Thalji Mohammad (2014). Iran-US Rapprochement and Turkey-Iran Relations: Opportunities and potential threats, <http://studies.aljazeera.net/en/dossiers/2014/04/2014417557815795.html>.
29. Gangale Thomas (2003). Alliance Theory: Balancing, Bandwagoning, and Détente, [http://ops-alaska.com/publications/2003/2003\\_AllianceTheory.pdf](http://ops-alaska.com/publications/2003/2003_AllianceTheory.pdf).
30. Haji Yousefi Amir.M(2015). Political Culture and Iran's Foreign Policy: A Comparative Study of Iran's Foreign Policy during Ahmadinejad and Rouhani, <https://www.assoc.srv.ca/cpsa-acsp/2015event/Haji-Yousefi.pdf>.
31. Kamrava Mehran(2008). The United States and Iran: A Dangerous but Contained Rivalry, <https://www.mei.edu/sites/default/files/publications/The%2520United%2520States%2520and%2520Iran-dangerous-but-contained-rivalry.pdf>.
32. Lukacsova Veronika (2009). Kissinger's triangular diplomacy, [http://www.bisla.sk/sk/wp-content/uploads/2015/05/Lukacsova\\_Veronika-Bakalarska-praca.pdf](http://www.bisla.sk/sk/wp-content/uploads/2015/05/Lukacsova_Veronika-Bakalarska-praca.pdf).
33. Monshipouri Mahmood\_ Dorraj Manochheher(2013)Irans foreign policy: A shifting Strategic Lsandscape, <https://www.deepdyve.com/lp/wiley/iran-s-foreign-policy-a-shifting-strategic-landscape-p4fTpClaUx>.
34. Katz Marl(2014). Mechanisms of an Iran-US Rapprochement: Lessons from the Past, <http://studies.aljazeera.net/en/dossiers/2014/03/2014331114237923880.html>.
35. Mousavian Seyed Hossein(2014). Future of US-Iran Relations, <http://studies.aljazeera.net/mritems/Documents/2014/4/6/20144610115142734Iran-US%20Rapprochement%20Irans%20Future%20Role.pdf>.
36. Shanahan Rodger (2015). Iranian foreign policy under Rouhani, <https://www.files.ethz.ch/isn/188299/iranian-foreign-policy-under-rouhani.pdf>.
37. Shahram Chubin (2013). Iran After Ahmadinejad, <https://www.chathamhouse.org/sites/files/chathamhouse/public/Meetings/Meeting%20Transcripts/180613Iran.pdf>.
38. Przewczek Semin (2013). Iran's Foreign Policy under President Rouhani: Pledges versus Reality, <http://www.orsam.org.tr/files/OA/57/7sermin.pdf>.
39. Walt Stephen M. (1988) "Testing Theories of Alliance Formation: The Case of Southwest Asia." *International Organization*, Vol 42, No. 2, pp: 275-316.